

آزاده صالحی

گفت و گو

اجرای ارکستر سمفونیک تهران به رهبری آرش گوران با عنوان «تهران جشن بیکران» در دو روز پایانی شهریور ماه برگزار شد. در این کنسرت، آثاری از لئونارد برنستاین، گئورگی سوپریدوف، آرام خاچاتوریان و آرتورو مارکز توسط ارکستر اجرا شد. به گفته گوران، عنوان «تهران جشن بیکران» برای این کنسرت از این جهت انتخاب شد تا بتوان جشنواره‌های از صداها و احساسات را به تصویر کشید که همواره در بطن شهر جریان دارد. خبرنگار صبا به بهانه کنسرت اخیر ارکستر سمفونیک تهران که در روزهای آخر شهریور ماه در تالار وحدت اجرا شد با آرش گوران رهبر میهمان آن به گفت‌وگو نشست.

اگر موافق باشید بحث را به سوالی درباره ارزیابی وضعیت ارکستر سمفونیک در شرایط فعلی اختصاص دهیم و این که تا پیش آن از این که تصدی رهبر ارکستر مهمان را به عهده بگیرد چه تصویری درباره ارکستر داشتید و امروز شرایط ارکستر را چگونه می‌بینید؟ به خصوص این که در طول تمرینات شاهد این بودم که بعد از پایان هر قطعه، به تشویق نوازندگان می‌پرداختید و به آنها روحیه و دلگرمی می‌دادید.

اول خیلی ممنونم از سوال خوبی که پرسیدید؛ من در تمام کنسرت‌هایی که تا امروز رهبری آنها را به عهده داشته و برگزار کرده‌ام، نگاهم این بوده است که حرکت‌های روبه جلو داشته باشیم. وقتی آقای صفی مدیر ارکسترها و آقای ستایشگر معاون آفرینش‌های هنری بنیاد رودکی از من دعوت کردند تا به عنوان مهمان، رهبری این ارکستر را به عهده بگیرم، برای من ایجاد انگیزه کرد تا در این دوره از فعالیت‌های ارکستر سمفونیک حضور داشته باشم. هر چند انگیزه اصلی من برای حضور در این کنسرت، نوازندگانی بودند که از من خواسته بودند این کنسرت را بپذیرم تا بتوانم به ارکستر کمک کرده باشم. خوشبختانه امروز عملکرد ارکستر سمفونیک تهران به گونه‌ای است که رو به جلو حرکت می‌کند و جهش‌های قابل ملاحظه‌ای دارد. درباره آن بخش از سوالات که اشاره کردید در طول تمرینات به تشویق نوازندگان می‌پردازم هم باید بگویم، ما موسیقی کار می‌کنیم و اولین چیزی که همیشه با آن درگیر می‌شویم، احساس ما نسبت به موسیقی است. ضمن این که معتقدم وقتی چیزی خوب است چرا باید خوب بودن آن را کتمان و انکار کرد. برخلاف بعضی که بر این باورند اگر نوازنده مورد تشویق قرار بگیرد پیشرفت نمی‌کند، من این طور فکر نمی‌کنم. اتفاقاً سختگیری‌های زیادی را در روزهای تمرین اعمال کرده‌ام و اعضای ارکستر هم پایه پای من آمده و از هیچ همکاری دریغ نکرده است. در واقع در کنار تمرینات جدی و سخت، سعی کرده‌ام آنها را تشویق کنم که باید هم این طور شود، چون این نوازندگان زحمات زیادی می‌کشند و با توجه زیاد به جزئیات، رپرتوار را اجرا می‌کنند، بنابراین استحقاق تشویق و حمایت دارند.

معیار تان برای انتخاب قطعات در این کنسرت چه بوده است؟

قطعاتی که مادر کنسرت اخیر کردیم با آنچه که تا امروز از رپرتوار ارکستر سمفونیک شنیده شده تا حدود زیادی متفاوت بود. در این کنسرت، آثاری از لئونارد برنستاین، گئورگی سوپریدوف، آرام خاچاتوریان و آرتورو مارکز توسط ارکستر اجرا شد. نکته این جاست که یک نوع فانتزی در این رپرتوار هست که در عین این که اجرای تمام این قطعات برای نوازندگان دشوار بوده است اما تا این لحظه از پس آن برآمده‌اند. در عین حال، اجرای این قطعات کمک می‌کند تا بین مردم و موسیقی ارکسترال؛ به ویژه ارکستر سمفونیک تهران ارتباط عمیق‌تری برقرار شود. در واقع هدف من این بوده که یک کانسپت فستیوال گونه را به نمایش بگذاریم.

در مدت زمانی که به تماشای تمرین ارکستر سمفونیک برای آماده‌سازی کنسرت نشستید بودم، شما این نکته را به نوازندگان اشاره می‌کردید که اگر مردم این قطعات را بشنوند انگشت به دهان می‌مانند، خود من هم فکر می‌کنم هر کدام از قطعاتی که اجرا شد آثار بدیعی بودند که شاید شنیدن آنها برای مخاطبان تازگی داشت، با این حال فکر می‌کنید انتخاب این قطعات چقدر می‌تواند با آن گروه از مخاطبان که آشنایی چندانی با این حیطه ندارند ارتباط برقرار کند؟

البته قرار نبود نکاتی که سر تمرین به بچه‌ها می‌گفتم را در این گفت‌وگو بازگو کنید، ولی اشکالی ندارد (با خنده) اگر آن گزاره را عنوان کردم و به نوازندگان گفتم که مخاطبان در دو شب اجرای کنسرت ارکستر سمفونیک از شنیدن این قطعات انگشت به دهان می‌مانند به این خاطر بود که در لحظه تمرین، نوازندگان آنچه که خواسته بودم را عالی اجرا کردند. اما در مجموع، ماسعی کرده‌ایم قطعاتی را انتخاب کنیم که

گفت‌وگوی صبا با آرش گوران، رهبر مهمان ارکستر سمفونیک تهران

حمایت از ارکسترها



موسیقی کلاسیک کمتر صورت گرفته و طبعاً قوه شنیداری مردم باین ژانر بیگانه است و آشنایی چندانی باین مقوله ندارند. ارکستر سمفونیک تهران توانسته در این سال‌ها با برپایی کنسرت‌های متعدد و متنوع در این زمینه، فرهنگ‌سازی کند و خوراک با کیفیتی به جامعه ارائه دهد.

طی این سال‌ها که با هنرمندان مختلف موسیقی به گفت‌وگو نشستیم ام برخی از آنها به این مسئله اشاره دارند که فعالیت ارکسترها عمدتاً به اجرای آثار هنرمندان جهانی مانند باخ، بنتهون، برامز، چایکوفسکی اختصاص می‌یابد، در حالی که رپرتوار آهنگسازان پیشکسوت ایرانی هم چنان در کشوری میز کارشان خاک می‌خورد و عملاً نسبت به اجرای چنین آثاری از سوی ارکسترها استقبال نمی‌شود، حالا می‌خواهم در این فرصت از شما درباره دلایل این مسئله سوال کنم با به عهده گرفتن رهبری مهمان ارکستر چه برنامه‌ای در این زمینه خواهید داشت؟

من همیشه از طرفداران اجرای آثار آهنگسازان ایرانی در ارکستر بوده‌ام، چه آهنگسازان پیشکسوت و چه آهنگسازان جوانی که امروز در این حوزه فعالیت دارند.

پس چرا در اغلب مواقع، شاهد اجرای آثار بزرگان موسیقی جهان در ارکستر سمفونیک تهران هستیم؟

ببینید برنامه ارکستر سمفونیک دارای یک بد بین المللی هم هست و این طور نیست که انتظار داشته باشیم ارکستر فقط بر روی اجرای آثار آهنگسازان ایرانی تمرکز کند. در واقع ارکستر سمفونیک صرف نظر از وظایفی که دارد به مقوله بینا فرهنگی هم توجه زیادی دارد، کما این که هر کدام از اجراها در این ارکستر باید دارای چنین مولفه‌ای باشد. این خیلی مهم است که زبان و موسیقی جغرافیاهای دیگر هم در برنامه ارکستر سمفونیک گنجانده شود، چرا که ارکستر سمفونیک نیاز دارد تا برای حفظ ابعاد جهانی خود، به اجرای آثار آهنگسازان خارجی بپردازد. هر چند معتقدم ضرورت دارد از آثار آهنگسازان داخلی هم در ارکسترها استفاده شود، به ویژه در ارکستر ملی.

نزد مخاطب تاثیر گذار باشد و با در نظر گرفتن مقوله‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و شرایطی که مردم در آن زندگی می‌کنند تاثیر مستقیم داشته باشد. موسیقی ارکسترال، موسیقی جدی و عمیقی است اما مهمترین رسالت آن برقراری ارتباط با اقشار مختلف جامعه است و این مسئله در راس سیاست‌های ارکستر سمفونیک تهران قرار دارد. نه این که هر موسیقی که از سطح بالایی برخوردار نیست و گذراست را با ارکستر اجرا کنیم فقط به صرف این که بخواهیم نظر عموم مردم را جلب کنیم، نه، بلکه می‌توان به وسیله همین رپرتوار هم دیدگاه بخش قابل توجهی از جامعه را نسبت به ارکستر سمفونیک جلب کرد. کما این که ظرفیت فروش بلیت دوشب کنسرت ارکستر سمفونیک تکمیل بود و این نشان می‌دهد که مردم خواهان شنیدن موسیقی خوب هستند. استقبال از این کنسرت به ما امیدواری داد که بتوانیم با برنامه‌ریزی‌های بیشتر، قدم‌های بعدی را برای کنسرت‌های آینده برداریم.

ولی قبول دارید که اساساً موسیقی ارکسترال همیشه در هر برهه‌ای از زمان مخاطبان خاص داشته و نمی‌تواند مثل موسیقی پاپولار قشر فراگیر جامعه را جذب کند؟

بله، البته این یک بحث تخصصی است که باید در جلسه‌های جداگانه دلایل و ریشه‌هایش مورد بررسی قرار بگیرند و نمی‌شود به آن جواب تیتروار داد. اما برای این که از کنار چنین سوالی ساده نگذریم (چون سوال مهمی است) باید بگویم اصلاً خاصیت موسیقی ارکسترال به این شکل است که عامه مردم به دنبال آن نیستند. این مسئله هم فقط مختص کشور ما نیست، در سایر نقاط جهان هم موسیقی ارکسترال طیف محدودی از مخاطبان را در بر می‌گیرد. چرایی آن هم دست کم در کشور خودمان به ریشه‌های فرهنگی مان برمی‌گردد. این که چقدر در سیستم آموزشی به خصوص آموزش و پرورش، کودکان و نوجوانان را با موسیقی ارکسترال آشنا کرده یا چنین موسیقی را برای این آنها پخش کرده‌ایم تا بشنوند. منظوری موسیقی کلاسیک که فقط مختص یک دوره یا جغرافیای خاص باشد نیست، بلکه موسیقی کلاسیک به معنای کلی آن مدنظر است. باید بپذیریم که این فرهنگ‌سازی در کشور ما نسبت به